

کاروان

CARAVAN Mehr

دوماہنامہ فرهنگی، سال دوم، شماره نہ
مرداد - شهریور ۱۳۹۵، ۱۲ هزار تومان



یک نگاه، یک زندگی

آنا آخمتووا

Anna Akhmatova

و آثاری از:

گرگوری فریدین، آیزایا
برلین، الن فاینشتاین،
تامارا آیدلمان، احمد پوری،

کاروان هنر و ادبیات امروز

عباس کیارستمی و
زیباشناسی غزل، مولی و
شازده، پال لارنس دانبار،
راز وجود ادوارد فیتزجرالد

کاروان

دوماهنامه فرهنگی، سال دوم، شماره ۹
مرداد - شهریور ۱۳۹۵، ۱۲۰۰۰ تومان

CARAVAN Mehr

Bimonthly cultural Journal
2nd year, 9th Issue,
Aug. - Sep. 2016, 12000 Toman



مدیر و سردبیر: فرزانه قوجلو

Licencee & Editor: Farzaneh Ghojaloo

طراح گرافیک: علی بخشی
مدیر داخلی: ستاره حیدری نوری
امور مشترکین: ساحل حیدری نوری
چاپ: چاپ و نشر نظر

Graphic Designer: Ali Bakhshi
Executive Director: Setareh Heidary Noori
In Charge of subscription:
Sahel Heidary Noori
Press: Nazar Press

نشانی پستی: تهران، صندوق پستی ۶۷۷-۱۶۷۶۵
تلفن: ۰۹۱۲۲۸۸۱۴۶۵ / ۷۷۳۷۲۰۸۶
فاکس: ۷۷۳۷۳۰۸۶
پخش کتابفروشی‌ها: ققنوس؛ تلفن: ۰۸۶۴۰۶۶۴

Tel: +98-21-77373086 / 0912-288-1465
Fax: +98-21-77373086
Address: Tehran, P.O.Box: 16765-677

نشانی اینترنتی: www.caravan-mag.com
ایمیل مجله: info@caravan-mag.com
ایمیل سردبیر: ghojaloo20@gmail.com
ایمیل مدیر داخلی: setareh@caravan-mag.com

Website: <http://caravan-mag.com>
Editor email: ghojaloo20@gmail.com
Journal email: info@caravan-mag.com
Executive director:
setareh@caravan-mag.com

کاروان مهر نشریه‌ای است که هر دو ماه یک بار به معرفی فرهنگ و ادبیات ایران و جهان می‌پردازد. اگر مایل به ارسال مطلب برای ما هستید، می‌توانید مطالبتان را به صندوق پستی نشریه و یا به ایمیل‌های سردبیر و مجله ارسال کنید.

Caravan Mehr, a journal being published every two months, introduces Persian and world culture & literature. If you are interested in sending articles to us, you may dispatch them to our P.O.Box or send them via emails of Editor and journal.

آنا آخمتووا

Anna Akhmatova

- ۷ سرمقاله: پنجاه سال پس از آخمتووا/ فرزانه قوجلو
- ۱۰ آنا آخمتووا/ برشی کوتاه از زندگی / گرگوری فریدین / گلبرگ برزین
- ۲۳ دیدار با آنا آخمتووا/ آیزایا برلین / عبدالله کوثری
- ۴۶ یک روز از زندگی آنا آخمتووا/ الین فینستین / مریم طباطبائیها
- ۵۷ مودیلیانی و آخمتووا در پاریس / تامارا آیدلمان / سیما سلطانی
- ۶۸ دو شعر از آنا آخمتووا/ احمد پوری
- ۷۲ گزینه شعرهای عاشقانه / آنا آخمتووا/ احمد پوری

کاروان هنر و ادبیات امروز

- ۸۴ عباس کیارستمی و زیباییشناسی غزل / خاطره شبیانی / ترجمه فرزانه قوجلو
- ۱۳۴ مولی و شازده / خسرو باقری
- ۱۴۸ شاعر «کلبه و کشتزار» / ترجمه عاطفه وطن چی
- ۱۶۶ راز وجود ادوارد فیتزجرالد / خورخه لوئیس بورخس / احمد میرعلایی

یک نگاہ، یک زندگی

آنا آخمتووا

Anna Akhmatova




آشنایی با اوزان عروضی

جلد اول

غلامرضا پناهی

در این اثر خوانندگان با قرائت آثار منتخب با ضرب و آهنگ ۹۰ وزن عروضی و ۱۱۷ وزن تقطیعی آشنا می‌شوند. به کمک ۳۹ جدول، موجباتی فراهم گردیده که محققان و علماء عروض بتوانند با دیگر اوزان عروضی نیز آشنا شوند. در هر بخش به دو یا سه اثر، از شعرای قدیم و جدید، اشاره گردیده است. به علاوه خوانندگان با جایگاه وزن در تحقیق جدید و دیگر توضیحات ضروری آشنا می‌شوند.



سرمقاله

پنجاه سال پس از آخمتووا

فرزانه قوجلو

«آدم می‌تواند سال‌ها در یک شعر توقف کند و باز هم چیز تازه‌ای ببیند. در آن‌ها افق هست، زیبایی هست، انسان هست، زندگی هست...»^۱ شاید همین توصیف ساده‌ی فروغ درست‌ترین تعبیر از شعری باشد که شعریت دارد. و بقیه‌ی آن چه نام شعر بر خود می‌گیرند، در لابلای کتاب‌ها و دیوان‌ها گم می‌شوند و کسی سال تا سال سراغشان را نمی‌گیرد مگر برای ثبت در تاریخ ادبیات. نام آنا آخمتووا در کنار نام شاعران بزرگ روسیه: پوشکین، لرمانتوف، پاسترناک، مایاکوفسکی، ماندلشتام، تسوتایوا و... حک شده است. نه تنها بخش اعظم اشعار آخمتووا، ماندلشتام و تسوتایوا به روزگار حیات در زادگاهشان اجازه‌ی انتشار نیافت بلکه جانشان نیز هر لحظه در خطر از دست رفتن بود، کما این که اوسپ ماندلشتام در تبعید و در بازداشتگاه‌های

سیبری جان سپرد و تسوتایوا نیز پس از تحمل رنج فراوان و در پی نومییدی به زندگی خود پایان داد و شاید از این سه تن نیکبخت‌ترین آخمتووا بود که ماند و طعم شهرت را در خارج از مرزهای «اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی» چشید. نظامی که وقتی از هم پاشید معلوم شد بسیار پوشالی‌تر از آنی بود که می‌نمود و از پیشش نظام مافی‌اوار کنونی روسیه سربرآورد. اما اشعار آخمتووا، ماندلشتام، تسوتایوا و همه شاعرانی که در سراسر جهان اشعارشان را در بند نگه داشتند، باقی ماندند چون قدمت زمان بیش از قدرت حاکمان است و شعر این شاعران در زمان جاودانه شده است.

ما تا کنون دو شماره از نشریه را به شاعران ایران زمین اختصاص داده‌ایم: فروغ فرخزاد و سهراب سپهری. و این بار به سراغ آنا آخمتووا رفته‌ایم که برای فارسی‌زبانان دوستدار شعر نامی بسیار آشناست. در شماره بعد نیز به سراغ مارینا تسوتایوا، دیگر شاعر بزرگ و بلندآوازه‌ی روس، می‌رویم. و این آغاز راه ما در اختصاص شماره‌هایی از مجله به شاعران جهان خواهد بود. آخمتووا به راستی یکی از چشمگیرترین چهره‌ها در نسل شاعران بزرگ روس به شمار می‌آید. روزگار او که اکنون عصری بزرگ در ادبیات روس محسوب می‌شود روزگاری بسیار سخت برای شاعران و نویسندگان بود. آخمتووا که توانست از نظام سرکوب و وحشت کمونیسم جان سالم به در ببرد، یکی از گزیده‌ترین شاعران نیز بود. اما انتشار اشعار این شاعر متمایز در فاصله ۱۹۲۲ تا ۱۹۵۶ در اتحاد شوروی ممنوع بود و حتی خبری هم از او به بیرون نمی‌رسید به نحوی که حتی زنده بودنش نیز محرز نبود. در خارج از مرزهای روسیه به این نتیجه رسیده بودند که او هم در یکی از اردوگاه‌های سیبری از دست رفته است. آخمتووا، شاید به طرزی معجزه‌آسا، جان به در برد. اما روزگاری که سپری کرد، زخمی عمیق در روح و جانش نهاد که به تمامی در اشعارش انعکاس یافت. از دست رفتن همسر اولش، گومیلیوف،

و بازداشت پسرش، لَف، و فرستادن او به اردوگاه کار اجباری که امید بازگشت از آن جا کورسویی بیش نبود و چنین سرود:

محروم از آتش و آب
دور از عزیزترینم، پسرم
در داربست شرم آلود فاجعه ایستاده‌ام
گویی به زیر سایبان اریکه شاهی^۲

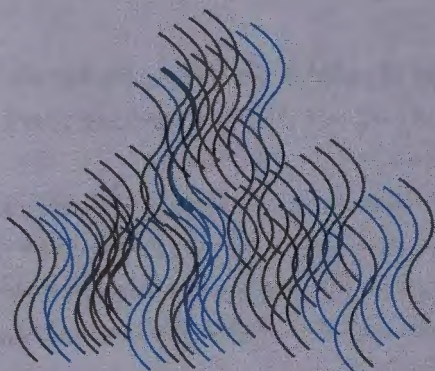
آنا آخمتووا نامی مستعار بود که آنا آندره پونا گرنکو برگزید و وقتی دوست دیرینش، لیدیا چوکفسکایا، از او پرسید که ایده‌ی این نام از چه کسی بود، آخمتووا این طور توضیح داد:

«البته که هیچ‌کس. در آن روزها هیچ‌کس به من علاقه‌ای نداشت. من بره‌ای بدون چوپان بودم. و تنها یک دختر ۱۷ ساله‌ی دیوانه می‌تواند نامی تاتاری برای یک شاعره‌ی روس انتخاب کند. این لقب آخرین شاهزاده‌ی تاتار اردو Horde است. این که نام مستعار انتخاب کنم از آن جا به ذهنم خطور کرد که وقتی پدرم درباره‌ی شعرهای من چیزهایی شنید به من گفت «نام مرا ننگین نکن.» گفتم «پس بدون نام تو کار می‌کنم.»^۳ و پدر چه می‌دانست که در آینده برای این نام چه خواهد گذشت.

۱- فروغ فرخزاد در گفت‌وگو با سیروس طاهباز و غلامحسین ساعدی که پس از درگذشتش در آرش شماره ۱۳ - اسفند ۱۳۴۵ منتشر شد.

۲- از مجموعه «سفالگری» ترجمه احمد پوری نقل از بخارا ۶۱ ویژه نامه آنا آخمتووا (بهار ۱۳۸۶)

۳- سال‌های تیره / لیدیا چوکفسکایا ترجمه سیما سلطانی به نقل از بخارا ۶۱



آنا آخمتووا

برشی کوتاه از زندگی

گرگوری فریدین

ترجمه: گلبرگ برزین

آنا آخمتووا، تخلص آنا آندره یونا گرنکو (تولد ۱۱ ژوئن [۲۳ ژوئن تقویم جدید] ۱۸۸۹، در بلشوی فنتان، در نزدیکی اُدسا، اوکراین، در امپراتوری روسیه - مرگ ۵ مارس ۱۹۶۶، در دُمُدُوو، در نزدیکی مسکو، روسیه، اتحاد جماهیر شوروی) شاعر روس که در زمان مرگش بزرگ‌ترین شاعره در ادبیات روسیه شناخته شد. آخمتووا از ۱۱ سالگی شعر می‌گفت و در ۲۱ سالگی به گروهی از شاعران سن پترزبورگ، به نام اوج گرایان (آکمه‌ایست‌ها) پیوست و در سال ۱۹۱۰ با نیکلای گومیلیف رهبر این گروه ازدواج کرد. کمی پس از آن با هم به پاریس رفتند و برای چندین ماه غرقه در زندگی فرهنگی آن شهر شدند. در سال ۱۹۱۲ پسرشان، لف، به دنیا آمد، اما ازدواج‌شان دیری نپایید و در سال ۱۹۱۸ جدا شدند. اوج گرایان، که اُسیپ ماندلشتام از اعضای معروف‌شان

آنا گورنگو ۱۸۹۱



آنا گورنگو و ویکتور ۱۸۹۲



آنا گورنگو ۱۹۱۳





Ана Ахматов, 1902

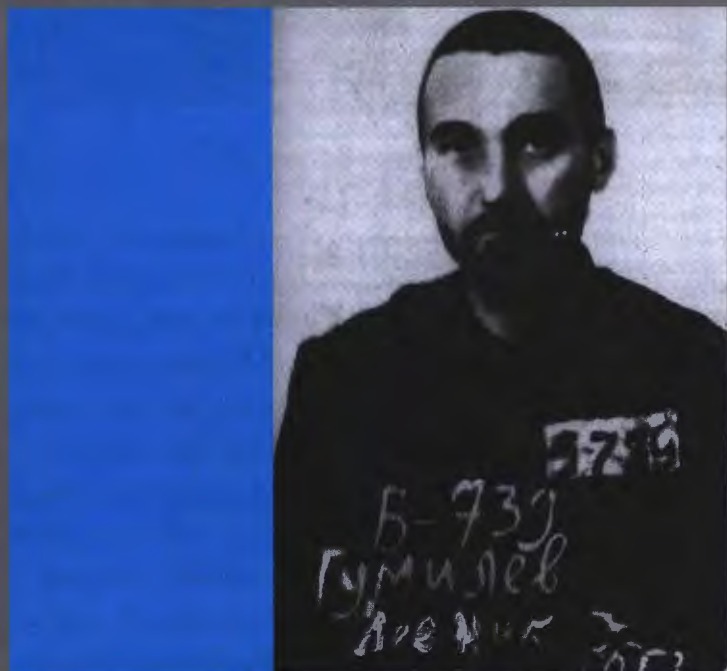


آخمتووا به همراه همسرش گومیلیف و پسرشان لف ۱۹۱۴ یا ۱۹۱۵

بود، با نشریه جدید سن پترزبورگ Apollon (۱۹۰۹ تا ۱۹۱۷ «آپولون») و شاعران نسل قدیمی چون اینکنتی آنسکی و میخائیل کوزمین که جدا از اکثریت شاعران نمادگرایی (سمبولیست) آن دوران بودند همکاری داشتند. این شاعران جوان اوج‌گرایی را تا حدودی در پاسخ به روس‌های آینده‌گرا (فوتوریست) (۱۹۱۲ تا ۱۹۱۳) بنیان نهادند؛ مکتبی که موافق، به کلام کوزمین، «شفافیت زیبا» در برابر ابهام و انتزاع نمادگرایی روسی بود. اوج‌گرایان در شیوه‌ای که برای شعرگویی تدوین کردند بازنمایی عینی و دقیق فرم و معنی را می‌طلبیدند - همراه با دانشی گسترده از آثار عهد قدیم، تاریخ و فرهنگ اروپا، شامل هنر و دین. آخمتووا، با اشراف کامل بر مجموعه‌ای از واژه‌های ظریف گویا و ایمایی در باره عشق و مغالزه مدرن، و همراه با زبان محاوره مطلوب، و پیچیدگی روح و روان یک زن جوان گسترده‌اندیش، مَهر شخصی خود را بر این موارد افزود. جزئی کوچک از شعر او می‌توانست طیفی کامل از احساسات را برانگیزد («همچون نی از آشامیدنی روانم را بیرون می‌کشی») نخستین مجموعه‌های شعرش Vecher (۱۹۱۲؛ «شامگاه») و Chyotki (۱۹۱۴؛ «تسبیح»)، به خصوص مجموعه دوم، او را به شهرت رساند و صدای شعرش نماد تجربیات نسل او شد. گیرایی او نه تنها از صداقت هنری و حسی صدای شعرش که از شخصیت شاعرانه او ناشی می‌شد و ظاهر چشمگیرش



دیکلای گومیلوف



لدا گومیلوف پسر انا آخمانووا در زندان، ۱۹۵۳



آنا آخمتووا و نیکلای پونین (۱۹۲۶)

□
ولی سال ۱۹۴۰ تعدادی از اشعارش در ماهنامه ادبی Zvezda («ستاره») انتشار یافت و گزیده‌ای از کارهای اولیه‌اش تحت عنوان Iz shesti knig («از شش کتاب») منتشر گشت. اما بلافاصله از تمام کتابفروشی‌ها و کتابخانه‌ها جمع شد. با این وجود در سپتامبر ۱۹۴۱، پس از حمله آلمان، آخمتووا اجازه یافت در رادیو سخنرانی‌های غریبی خطاب به زنان لنینگراد (سن پترزبورگ) ایراد کند. کمی پس از آن به تاشکند در ازبکستان گریخت و در آنجا اشعارش را برای سربازان بستری می‌خواند و تعدادی شعر در باره جنگ به چاپ رساند؛ نسخه‌ای کوچک از گزیده اشعارش در سال ۱۹۴۳ در تاشکند منتشر شد. در پایان جنگ به لنینگراد بازگشت، و در آنجا به تدریج اشعارش در مجلات و روزنامه‌های محلی به چاپ رسید. جلسات شعرخوانی برگزار کرد و قرار بر آن شد که مجموعه مفصل آثارش انتشار یابد. اوت ۱۹۴۶، اما کمیته مرکزی حزب کمونیست به شدت او را به «شهوت‌گرایی،

عرفان، و بی تفاوتی سیاسی» محکوم کرد. بر اشعار او برجسب «بیگانه برای شهروندان شوروی» زدند و شخص او علناً به عنوان «بدکاره تارک دنیا» مورد توهین آندره‌ی ژدائف، عضو دفتر سیاسی و مدیر پروژه مهار فرهنگی استالین، قرار گرفت. از اتحادیه نویسندگان شوروی اخراج شد؛ کتاب منتشر نشده اشعارش که زیر چاپ بود معدوم شد؛ و هیچ‌کدام از آثارش تا سه سال تجدید چاپ نشد. سپس در سال ۱۹۵۰ تعدادی از شعرهایش در ستایش استالین و کمونیسم شوروی در چندین شماره هفته نامه مصور Ogonyok («شعله کوچک») با عنوان Iz tsikla "Slava miru" («از دوره «پیروزی تا صلح») به چاپ رسید. این تسلیم نامتعارف از سوی آخمتووا در برابر دیکتاتور شوروی ناشی از ناچاری او به استعانت از استالین برای رهایی پسرش بود که دوباره در سال ۱۹۴۹ دستگیر و به سیبری تبعید شده بود - آخمتووا در یکی از این اشعار می‌گوید: «هر کجا که استالین هست، آزادی، صلح و عظمت جهانی هست». لحن این شعرها با مجموعه پرشور تکان دهنده و جامع Rekviem («مرثیه») که در غم بازداشت و سپس در بند بودن پسرش بین سال‌های ۱۹۳۵ تا ۱۹۴۰ سرود، بسیار متفاوت است (شعرهای در مدح استالین از دوره آثار آخمتووا که پس از مرگ استالین در شوروی به چاپ رسید حذف شد).





آنا آخمتووا در فانتین هاوس پایان دهمه ۱۹۲۰

این شاهکار - یادبود منظوم رنج‌های مردم شوروی در زمان حکومت استالین - برای اولین بار در روسیه به سال ۱۹۸۹ منتشر شد.

گشایش‌های فرهنگی پس از مرگ استالین آخمتووا را به مرور و با تردید توان دوباره بخشید، و نسخه نازکی از اشعار او، شامل بخشی از ترجمه‌هایش، به چاپ رسید. بعد از سال ۱۹۵۸ شماری از آثار او، شامل برخی از مقالاتش درباره پوشکین، در شوروی به چاپ رسیده بود (در سال‌های ۱۹۶۱، ۱۹۶۵، دو اثر ۱۹۷۶، ۱۹۷۷) ولی مجموعه پربار ادبی او در هیچ‌کدام گنجانده نشده بود. بلندترین اثر آخمتووا و چه بسا شاهکار ادبی او *Poema bez geroya* («شعر بدون قهرمان») که از سال ۱۹۴۰ تا ۱۹۶۲ روی آن کار کرده بود، تا سال ۱۹۷۶ در شوروی انتشار نیافت. این اثر پیچیده و دشوار، که با الهام از زندگی بوهمی سن پترزبورگ سال‌های پیش از



فانتین هاوس کنار رودخانه فوتنکا که آخمتووا در فاصله سال های ۱۹۲۶-۴۱، ۱۹۱۸-۲۱ و ۱۹۴۵-۵۲ در آنجا زندگی می کرد.

آنا آخمتووا و بوریس یاسترناک ۱۹۴۶





آخمتووا با شروع جنگ در لنینگراد از دو پسر همسایه‌اش، خانواده اسمیرنوف در زمانی که مادرشان به کار مشغول بود مراقبت می‌کرد. والیا (پسر بزرگتر) در پی محاصره لنینگراد توسط آلمانی‌ها بر اثر گرسنگی مرد. آخمتووا شعر ۱۹۴۲، را برای او سرود.

جنگ جهانی اول، رنج و مشقات دهه‌های پس از ۱۹۱۷ به تصویر کشیده شده، جمع‌بندی قدرتمند و منظوم فلسفه آخمتووا و گزاره شخصی و قطعی او در تفسیر معنای زندگی و موفقیت‌های ادبی خود است.

آخمتووا ترجمه‌های فوق‌العاده‌ای نیز از اشعار دیگر شاعران، از جمله ویکتور هوگو، رابیندرانات تاگور و جاکومو لئوپاردی، به انجام رسانده است. او همچنین خاطرات پراحساسی در باره نویسنده نمادگرا، الکساندر بلوک، هنرمند ایتالیایی آمیدئو مودیلیانی، و رفیق اوج‌گرای خود، ماندلشتام به رشته تحریر درآورده است.

در سال ۱۹۶۴ به دریافت جایزه ایتنا - تائرمینا، جایزه جهانی شعر در کشور ایتالیا، نائل و در سال ۱۹۶۵ درجه دکترای افتخاری از دانشگاه آکسفورد به وی اعطا شد. سفرهای او به سیسیلی و انگلستان برای دریافت این جوایز، نخستین سفرهایش از سال ۱۹۱۲ به خارج از وطن بود. آثار آخمتووا به بسیاری زبان‌ها ترجمه شده، و مقام جهانی او پس از مرگش به درجاتی رفیع‌تر رسیده است. نسخه دو جلدی کلیه آثار او در مسکو در سال ۱۹۸۶ به چاپ رسید، و مجموعه اشعارش در دو جلد در

سال ۱۹۹۰ انتشار یافت و در سال ۱۹۹۲ تکمیل شد. 